

مراد ادامه است که با او با او احوال احوالی بود و در تفسیرش تعلیم
و ارشاد و استناد و اول و بگویند که اول زمان بر بر کلمات و
بهر ادا و مملکت در متون استقامتی وجود بطول بقایه و نور صدور السعیدین
منور لقایه و الا زلت بجم مسوده با قاف الوجود طالع و مشرقه و السن
حجاب الاثنا بسواج المبح و الا طراء منطلقه حقا که مضاف است به
اوقات اولی اوقات مسوده اخلاق حضرت که دست کوهر باقی بر انفا قافله
تجرباتی که همسوک که اشرف ساعا و امین اوقات در فی رسم و تصور باین
سعدا کیردن و اول ذات که لا اقامه حالت ایله بهنگ نتراع و شفا قافله
و مان واجب الادعائه القناد و ارفاق اوزره و کوسون که قبض بسط حمله
جهان علم احوال است ندرت سحر **بیت** سبزه را همه بر قطب دولت باز
ستاره را بر سر است طاعت تو میر چون که اول نوازه جهان فضل و عرفانک
نشره و صاف اخلا فکرمه و روح و صفا اولی نه لازم که ایات واضح
الشیات محامد صفا و حقا سن مکانی جامع حقایق شینان نبی نوع
افت ندره منلو و تر این قلوب و فاین صدور از هم جان جواهر و ابر
وصف خلق عظیم ایلم شین و مملو او کشید **بیت** سوسک را شرف و
بعلمت بهتر لونی آن کس بر علم و معرفت است **بیت** اقام اقامه قصد
اعلام و افهام ایچون مراد که بر دانه واره فی الحال بیان اوصاف احوال
بی شماره بی استقبالیله و بر سن ندره و کندان زاده مقدمات بر فاده
سوزله سکا ندره و قال بدر **بیت** بوی احوال همدا اقصی اقصی بر
صیت استانت بر کسور کسور میکند بر زمان سعاد است که ذکر جمعی اعوار
و احوالی ریح مسکونه بهر بارین سکا لک ایلیونک اوصاف القایه اش
و اذاعه ایلمت تخصیصی حال ایدو کی نور نور شندی روشن و واضح در
و بزوات مسوده صفا ناک که ششم نکت خلق کثیفی نظم سیم طالع و داد
روی زمین منته شده انی از باب عقول و طبعه بیان و کجایان فایق
تظلمه باطاطائل ایدو کی بوی خود و غیر کی نظایر و فایده اول حضرت این
نشدت روی و لطافت لسا و صباحت وجه و عدوت بیان کلمات

روزمره مسنده اولان حسن طلاوت و عبادت تصدیق مسنده اولان ملا
و لطافت روی جهوشان بر صباحت کبی قابل تعبیر و حق بر نور و ایت و کلمه
رفیق کلامی رحیق و ملائک انرق و الطفا در سخالی و سخالی حسن و اطرف
اولوب به کلام و فان بر انفا مندن عیان اول بر سخالی حیران و وان اولوب
که انفا سن عیب در که دل مرده اصحاب جاحاته ملائی اولت سخا جوادانی اولوب
غایت علوجا بهر سبایت مسکت و کمال کسب و اقامت در لوفوق العاید دروشی
اوزره منات و زره اولوب فقرا و علمایه کمال ملائمت این طلی و فراغت
و جباره ایدو و رخ ششم و خصب و ابطال و اضراعی اقام برغت استقامت
قابل اعلام و افهام و کل ایدو کی معلوم بر قوم جمله انام و بر جمعی بر کس که
بر نفس خالص و محفل فوس لرته و اخلا اولوب سخالی کلام و لطف و ازان
کوشش و حال سبیه ممال ایدو کی جرحه لرته بر قطره سیم که کوشش ایدو
بالکاید کند و بی که کوشش ایدو تا دم حشر است در سخن اولوب معر در
احوال فرخنده فالدری علی الاجمال بو سوال و زره جریان التمشیر و کوا
نواقب اموری مشارق و مطالع بر روز و ظهور دن بو جمله طالع و رخشان
اولش در کجای بر معارف و افضالی تاریخ حیرت رسول بر احوال دن
که زرد کینه نرفت سر و قات جلال سنه ثلث و اربعین و شعایه
بو عالم فاجوره نشی بر خودی قدم با صوب و ات فرخنده مسجودی ایله
سخن چنان تازه و خرم اولوب بر کوشه سب رشک کارخانه جین و آرام
گاه ارم اولمشدی زوایای کردون و اقالیم ریح مسکون انواع شرف
سعادت ایلملوشون و اصناف سرت و احسان بجهت مقون اولسه
تیرب و کل که اخص وجود و ششمه امکاندن طالع و رخشان اولان
اول مشارق سعادت کبر و سبای فلک خوال اضواء و انوار له بالبال اولسه
عجیب کلک مطلع حالته ان تارق اولان نور شید انوار **بیت**
روز و لادش جو نظر کردوشدی اوصاف داد و کفت که وسعدا کیرت
روز و لادشده راضدان تقدیر و ستاره شناسان فلان عدل امیر